

تورم حقوق

ایجان مکای *

علی برجیان **

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۲۶

«قانون گذاری نکنید مگر با تردید و احتیاط، ... همیشه از بین دو راه حل آن را انتخاب کنید که کمترین ارتباط را با حقوق دارد و بیشتر صغنه عرفی یا اخلاقی دارد.»

چکیده

واژه تورم حقوق، مفهومی کلی به نظر می‌رسد که تمام گستره حقوق، از کثرت قانون گذاری گرفته تا سایر منابع هنجاری حقوق، را دربرمی‌گیرد و ناظر بر افزایش بی‌رویه و نامتناسب تعداد، حجم و اندازه قوانین است. فراوانی مقررات، همانند تورم پولی، خطر در معرض کارکرد معکوس یافتن، یعنی کاهش ارزش آن را به همراه دارد. آیا این پدیده یکی بیماری خوش خیم است یا از جمله علایم آسیب‌شناسی نظام‌های حقوقی دولتی؟ آیا پدیده‌ای منحصر به دوره ماست یا اینکه در زمان‌های قبل نیز وجود داشته است؟ آیا آثار آن تمام حقوق را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا بخش‌های خاصی از آن را؟ چنانچه تورم حقوقی مسئله‌ای تا به این حد زیان‌بار است که نیاز به توجه ویژه دارد، شایسته است که منشأ و دلایل آن را شناخت و درصدد یافتن راه‌حل‌هایی برآمد که از قبل برای آن ارائه شده است یا می‌توان ارائه داد. این مقاله تورم حقوق را در چهار کشور کانادا، فرانسه، انگلستان و امریکا با نگاهی اجمالی به وضعیت مشابه آن در ایران مورد

* استاد بازنشسته دانشکده حقوق و مدیر اسبق گروه‌های حقوق عمومی و مرکز تجارت بین‌الملل دانشگاه مونترال
ejan.mackaay@umontreal.ca

** دانشجوی دکترای حقوق دانشگاه مونترال

ali.borjian@umontreal.ca

۱. ژان کرینی، ۱۹۹۲، ص ۴۸.

مطالعه آماری قرار داده و با دیدی نسبتاً متأثر از مکتب تحلیل اقتصادی حقوق به ارزیابی ابعاد قضیه، از جمله نقد و بررسی دلایل، آثار و راهکارهای موجود، پرداخته است.

کلیدواژگان:

اعتماد به حقوق، امنیت حقوقی و قضایی، پیروی از قوانین، تورم قانون‌گذاری، دسترسی به حقوق و دادرسی عادلانه.

مقدمه

«تورم حقوق» اصطلاحی دربرگیرنده تمام منابع حقوق است و طبق تعریف، عبارت است از افزایش بی‌رویه و نامتناسب هنجارها و منابع تشکیل‌دهنده حقوق و زیاد شدن تعداد و حجم قوانین و مقررات^۱. بنابراین، تورم حقوق علاوه بر کثرت قانون‌گذاری، دربرگیرنده ازدیاد مقررات آیین‌نامه‌ای، بخش‌نامه‌ها، دستورات اداری، رویه قضایی، قراردادها و نظریات حقوقی (دکترین) نیز می‌شود؛ هرچند که بیشترین تکیه این نوشتار بر اساس مدارک در دسترس، بر تورم قانون‌گذاری قرار گرفته است. در ادبیات حقوقی اخیر زبان انگلیسی بیشتر از اصطلاحات legislative inflation^۲ معادل تورم قانون‌گذاری و regulatory inflation^۳ معادل تورم مقرراتی استفاده شده است.

ژان کربونیه با مطالعات گسترده‌ای که در این موضوع داشته، ضرورت توجه به آن را چنین توجیه کرده است: «فراوانی دستورها و مقررات همیشه در معرض این خطر است که اثر معکوس یافته و بر خلاف آنچه اراده شده است، موجب کم‌ارزش شدن آنها شود. آیا شاهد آن نبوده‌ایم که علایم راهنمایی کنار جاده (که معادل قوانین در بحث حاضر است)، هنگامی که زیادتر از حد معمول می‌شوند، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و کارایی و اهمیت خود را از دست می‌دهند. به دستورات و فرامین بیش‌ازحد، نه می‌توان دقت و توجه کافی کرد و نه تبعیت از آنها ممکن است^۴». این معضل همواره در کانون توجه قرار دارد؛ چنان‌که در یک نوشته جدید منتشرشده در فرانسه چنین ابراز شده است: «حقوق به نحوی سرسام‌آور در حال تولید است^۵». بنابراین کربونیه، این پدیده دارای چنان اهمیت اجتماعی است که ما را بر آن می‌دارد تا جدی‌تر با آن مواجه شویم. آیا تورم حقوق یک معضل اجتماعی واقعی است یا فقط یک شعار سیاسی گذرا^۶؟ اگر

1. "Inflation legislative", dans Wikipedia, en ligne : <https://en.wikipedia.org/wiki/Inflation_legislative> (consulté le 8 février 2017).

2. Dace ŠULMANE, "“Legislative Inflation” - An analysis of the Phenomenon in Contemporary Legal Discourse", (2012) 4-2 Balt. J. Law Polit.

3. <http://www.linguee.fr/francais-anglais/search?source=auto&query=inflation+normative>.

4. Jean CARBONIER, *Essais sur les lois*, Paris, Répertoire du Notariat Defrénois, 1995, p. 274.

5. Serge SCHWEITZER et Loïc FLOURY, *Droit et économie, un essai d'histoire analytique*, Aix-en-Provence, Presses Universitaires d'Aix-Marseille, 2015, p. 62.

۶. برخی نویسندگان تعابیر دیگری هم برای توصیف این مسئله به کار برده‌اند، مانند این موارد:

Étienne GRASS, "L'inflation législative a-t-elle un sens?", Rev. Droit Public Sci. Polit. En Fr. Etranger 2003.1.139, p. 142: incontinence, prolifération, pathologie; Piotr

مسئله‌ای واقعی و اجتماعی است، چگونه می‌توان ابعاد آن را مشخص کرد؟ آیا بحرانی زودگذر است یا نیازمند یک آسیب‌شناسی واقعی؟ به چه وسیله‌ای می‌توان با آن مبارزه کرد؟ نوشتار حاضر با نگاهی اجمالی به وضعیت تورم حقوق در کشورهای تأثیرگذار در حقوق دنیا و گذری بر حقوق ایران، در چهار قسمت به بررسی این پدیده می‌پردازد:

۱. گستره و دامنه این مسئله، امروز، دیروز و در کشورهای مختلف؛
۲. آثار و عوارض پیش‌بینی‌پذیر آن؛
۳. دلایل احتمالی آن؛
۴. بررسی راه‌حل‌ها؛

۱. گستره تورم حقوق

برای مجسم کردن ابعاد این مسئله در مقاله پیش‌رو، خلاصه‌ای از وضعیت آمار افزایش قانون‌گذاری و برخی منابع هنجاری دیگر حقوق در سال‌های اخیر را در چهار کشور کانادا، فرانسه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا همراه با نگاهی گذرا به وضعیت ایران بررسی خواهیم کرد. همچنان که بررسی این پدیده در بسیاری از کشورهای در حال توسعه دیگر، نظیر برزیل، هم قابل ملاحظه است، اما در این مقال نمی‌گنجد.^۱

۱.۱. کانادا

در کانادا طبق مطالعات ما در زمینه رشد مجموعه قوانین سالیانه مالکیت معنوی بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۶، می‌توان نتیجه را به شرح جدول^۲ زیر بیان کرد:

ZWIERSYKOWSKI, " L'inflation législative - quelques repères méthodologiques sur l'exemple → ← de la législation polonaise », (2005) 57-3 Rev. Int. Droit Comparé 735, 742: surproduction, inondation, explosion.

1. José Eduardo FARIA, *A inflação legislativa e a crise do estado no Brasil*, 1994, en ligne : <http://www.pucrio.br/sobrepuc/depto/direito/revista/online/rev05_faria.html ;

<http://www.fema.com.br/~direito/debora/antigos/sociologia/aula1910/inflacaolegislativaecrisedoestado.doc>>; Leonardo D'AVILA DE OLIVERIA, *Inflação normativa - Excesso e exceção*, 2009, .

2. Ejan MACKAAY et Ysolde GENDREAU, *Legislation canadienne en propriete intellectuelle = Canadian legislation on intellectual property* / [edited by] Ysolde Gendreau, Ejan Mackaay., Scarborough, Carswell, 1995.

جدول ۱. ارزیابی وضع مقررات در زمینه مالکیت فکری در کانادا بین سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۶.

میزان رشد	۲۰۱۶	۱۹۹۵	
%۷۴	۱۲۰۰	۶۹۱	تعداد کامل صفحات
%۸۶	۱۳	۷	تعداد قوانین
%۷۲	۷۳۵	۴۲۷	تعداد صفحات متون قانونی
%۱۳۲	۴۴	۱۹	تعداد آیین نامه‌ها
%۷۸	۴۵۸	۲۵۸	تعداد صفحات آیین نامه‌ها

چنان که از جدول بالا پیداست، وضع قوانین (قانون گذاری رسمی) و آیین نامه‌ها (قانون گذاری واگذار شده) در طول دوره بیست ساله گذشته تقریباً به دو برابر خود رسیده است؛ چه در تعداد مقررات مصوب و چه در تعداد صفحات دربردارنده آن.

۱.۲. فرانسه

در سال ۲۰۰۸، دو نویسنده فرانسوی، به نام‌های ساسیه و لانسو، مطالبی در مذمت تورم حقوق مطرح کرده‌اند که این گونه آغاز می‌شود: «ادعای جهل به قانون از هیچ کس پذیرفته نیست. به منظور رعایت چنین قاعده‌ای هر فرانسوی باید با بیش از ۱۰۵۰۰ قانون، ۱۲۰۰۰۰ آیین نامه و بخش نامه‌های اداری، ۷۴۰۰ معاهده بین‌المللی، ۱۷۰۰۰ مقررات منطقه‌ای (اتحادیه اروپا) و ده‌ها هزار صفحه از ۶۲ مجموعه قوانین (کد) مختلف آشنا باشد. برخی از این متون نیز مرتباً در حال اصلاح و تعدیل هستند؛ تنها در سال ۲۰۰۶ شش اصلاحیه در هر روز، فقط در مجموعه قوانین مالیاتی. به این ترتیب، فرانسه قهرمان قانون گذاری (دنیا) است»^۱.

بر اساس مشاهدات این نویسندگان، مجموعه قوانین منتشر شده از مجلس ملی فرانسه و سایر قوانین موجود در بازه زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۵ دارای چنین رشدی بوده است.^۲

1. Dominique LANSOY et Philippe SASSIER, *Ubu loi: essai*, Paris, Fayard, 2008, Introduction.
2. *Id.*, Edition Kindle, no. 126.

سال	صفحه
۱۹۷۰	۶۲۰
۱۹۹۰	بیش از ۱۰۰۰ صفحه
۲۰۰۰	۱۶۶۳
۲۰۰۴	۲۵۵۶
۲۰۰۵	بیش از ۳۵۰۰ صفحه

گراس در سال ۲۰۰۳ تحلیل موشکافانه‌ای از مسئله تورم قانون‌گذاری ارائه داد که در آن به مجرد روش اندازه‌گیری تورم قانونی برپایه شمارش تعداد قوانین یا صفحات آن، اشکال وارد می‌کند؛ چراکه در قسمت مربوط به انتشار قوانین و آیین‌نامه‌ها در روزنامه رسمی، مطالبی غیر از قوانین نیز منتشر می‌شود، مثل گزارش وضعیت روزانه بانک مرکزی فرانسه، عملیات خزانه‌داری، آگهی‌های رسمی و غیره.^۲ حتی در میان قوانین به معنای خاص آن نیز می‌توان برخی قوانین را که به تأیید کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌پردازند، از شمول شمارش واقعی قوانین استثناء کرد. «آمار واقعی که تورم قوانین را بیان می‌کنند، عبارت است از مصوبه‌هایی که وصف قانون‌گذاری دارند و هر ساله لازم‌الاجرا هستند».^۳ اما شمارش قوانین به این شکل هم پیچیدگی‌های دیگری دارد. او چنین نتیجه گرفته است که هرچند «تورم در تصویب آیین‌نامه‌ها انکارپذیر نیست، لیکن تورم قانون‌گذاری را باید اثبات کرد».^۴ نظر او مشابه دیدگاه ارائه‌شده وانویل (از متخصصین علوم سیاسی) در یکی از تحلیل‌های سیاسی خود است که استفاده از واژه تورم قانونی را بیشتر ناظر به یک بحث سیاسی و هنجاری (نه صرفاً توصیفی) و درباره نقش‌های گوناگون نهادهای دولتی در فرایند متورم کردن قانون‌گذاری می‌داند.^۵ زیروسکی نیز بر همین مبنا «تعداد قابل ملاحظه‌ای از عوامل مؤثر بر نظریه تورم تقنینی در لهستان را» نشان می‌دهد.^۶

۱.۳. انگلستان

1. É. GRASS, préc., note 9.

2. *Id.*, p. 148.

3. *Id.*.

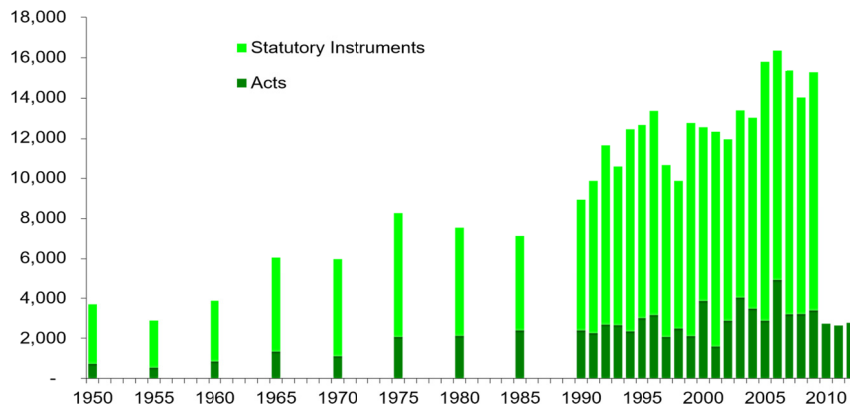
4. *Id.*, p. 149.

5. *Id.*, p. 157; Rachel VANNEUVILLE, "Les enjeux politico-juridiques des discours sur l'inflation normative", *Parlem. Rev. Hist. Polit.* 2009.11.80.

6. P. ZWIERSYKOWSKI, préc., note 9.

دولت انگلیس هرساله آمار قوانین و آیین‌نامه‌های تصویب‌شده در این کشور را منتشر می‌کند.^۱ نتیجه این آمار بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۲ به شرح جدول زیر است:

جدول ۲. افزایش قانون‌گذاری در انگلیس (خطوط تیره‌تر نمایانگر تعداد قوانین و خطوط کمرنگ‌تر معرف تعداد آیین‌نامه‌هاست).



مطابق این آمار، از یک ربع قرن پیش تاکنون تعداد صفحات قوانین تقریباً ثابت مانده، درحالی‌که حجم آیین‌نامه‌ها در همین مدت زمانی افزایش چشمگیری داشته است.^۲

۱.۴. ایالات متحده آمریکا

مسئله افراط در تصویب قوانین در آمریکا مسئله‌ای است که از دیرباز مورد توجه بوده است. میلتن و فرایدمن در کتاب خود در سال ۱۹۸۰ به رشد تعداد صفحات فدرال رجیستر (روزنامه رسمی ایالات متحده آمریکا) که در آن تمام قوانین، آیین‌نامه‌ها و سایر اسناد و مدارک رسمی دولت فدرال آمریکا منتشر می‌شود، اشاره کرده‌اند.^۳ همچنین اپستن در سال ۱۹۹۵ همین روند را از ابتدای نشر آن طبق نمودار پایین به تصویر کشیده است:

1. Richard CRACKNELL et Rob CLEMENTS, "Acts and Statutory Instruments: Volume of UK legislation 1950 to 2014", 2012, en ligne : <http://researchbriefings.parliament.uk/ResearchBriefing/Summary/SN02911> (consulté le 9 février 2017).
2. *Id.*, p. 6.
3 Milton FRIEDMAN et Rose D FRIEDMAN, *Free to choose: a personal statement*, New York, Harcourt Brace Jovanovich, 1980, p. 197.

جدول ۳. رشد تقنینی در امریکا^۱

سال	صفحات فدرال رجیستر	رشد درصدی نسبت به سال ۱۹۳۶	صفحات فدرال ریپورتس (رویه قضایی)	رشد درصدی نسبت به سال ۱۹۳۶	تولید خالص ملی (میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵)	رشد درصدی نسبت به سال ۱۹۳۶	جمعیت (میلیون)	رشد درصدی نسبت به سال ۱۹۳۶
۱۹۳۶	۳۴۱۱	%۱۰۰	۶۱۳۸	%۱۰۰	۷۷۷.۹	%۱۰۰	۱۲۸.۵۳	%۱۰۰
۱۹۴۰	۵۳۷۰	%۲۲۰	۷۱۶۱	%۱۱۷	۹۰.۶	%۱۱۶	۱۳۳۴۵۷	%۱۰۳
۱۹۴۵	۱۵۵۰۸	%۴۴۳	۷۱۶۱	%۱۱۷	۱۶۰۲.۶	%۲۰۶	۱۳۳۴۳۴	%۱۰۴
۱۹۵۰	۹۵۶۲	%۳۹۷	۸۱۸۴	%۱۳۳	۱۴۱۸.۵	%۱۸۲	۱۵۲۲۷۱	%۱۱۹
۱۹۵۵	۱۰۱۹۶	%۴۲۳	۹۵۹۰	%۱۵۶	۱۷۶۸.۳	%۲۲۷	۱۶۵۹۳۱	%۱۳۰
۱۹۶۰	۱۲۷۹۲	%۵۳۱	۱۰۵۴۹	%۱۷۲	۱۹۷۰.۸	%۲۵۳	۱۸۰۶۷۱	%۱۴۱
۱۹۶۵	۱۷۲۰۶	%۷۱۴	۱۴۳۳۲	%۲۳۳	۲۴۷۰.۵	%۳۱۸	۱۹۴۳۰۳	%۱۵۲
۱۹۷۰	۲۰۰۳۶	%۸۳۱	۲۲۵۱۲	%۳۶۷	۲۸۷۳.۹	%۳۶۹	۲۰۵۰۵۲	%۱۶۰
۱۹۷۵	۶۰۲۲۱	%۲۴۹۸	۲۵۳۲۴	%۴۱۳	۳۲۲۱.۷	%۴۱۴	۲۱۵۹۷۳	%۱۶۹
۱۹۸۰	۸۷۰۱۲	%۳۶۰۹	۳۲۰۲۶	%۵۲۲	۳۷۷۶.۳	%۴۸۵	۲۲۷۷۲۲	%۱۷۸
۱۹۸۵	۵۳۴۸۰	%۲۲۱۸	۴۹۰۷۳	%۷۹۹	۴۲۷۹.۸	%۵۵۰	۲۳۸۴۹۲	%۱۸۶
۱۹۹۰	۵۳۶۱۸	%۲۲۲۴	۴۵۸۹۳	%۷۴۸	۵۵۲۲.۲	%۷۱۰	۲۴۹۹۲۴	%۱۹۵
۱۹۹۱	۶۷۷۱۶	%۲۸۰۹	۴۹۹۷۰	%۸۱۳	۵۶۷۷.۵	%۷۳۰	۲۵۲۱۱۷	%۱۹۷

اعداد بالا نمایانگر رشد بیشتر مطالب منتشر شده در فدرال رجیستر نسبت به جمعیت و تولید خالص ملی است. در حالی که آرای قضایی منتشر شده در فدرال ریپورتس، رشدی همگام با تولید خالص ملی را نشان می‌دهد.

۱.۵. تورم قوانین در ایران

آمار رسمی دقیقی از میزان افزایش قانون‌گذاری در ایران، چنان‌که آمارهای منتشر شده کشورهای پیش‌گفته، تعداد قوانین و صفحات آن را مشخص کرده باشند، در دست نیست و فقط

1 Richard Allen EPSTEIN, *Simple rules for a complex world*, Cambridge, MA, Harvard University Press, 1995, en ligne : <http://public.eblib.com/choice/publicfullrecord.aspx?p=3300197> (consulté le 7 février 2017), p. 7.

طبق جدول پایین، آمار رسمی تعداد قوانین مصوب در برخی گزارش‌ها و مقالات درج شده است، اما مباحث انتقادی قابل توجهی نسبت به رشد فزاینده وضع قوانین و مقررات مطرح شده است که می‌تواند به طور نسبی وجود و رواج چنین پدیده‌ای را در ایران، اگرچه با روندی ثابت، تأیید کند. با وجود اینکه گاهی تعداد مصوبات دوره‌های پیشین از دوره‌های متأخر آن کمتر است (چنان که طبق جدول شماره ۴، تعداد مصوبات مجلس ششم از تمام دوره‌های پس از خود بیشتر است)، در مجموع چنین ابراز شده است: «افزایش حجم قوانین را به راحتی می‌توان با مراجعه به مجموعه قوانین سالیانه منتشرشده رؤیت نمود که همه‌ساله بر حجم فیزیکی آن افزوده می‌شود^۱». یا بنا بر اذعان رئیس کانون وکلای مرکز: «به نحوی که در چند سال اخیر مجموعه‌های سالانه قوانین هرگز از دو جلد با حجمی قریب به دو هزار صفحه کمتر نبوده است^۲».

جدول ۴. تعداد قوانین مصوب در ادوار نه‌گانه مجلس شورای اسلامی به تفکیک تعداد لوایح و طرح‌های مصوب^۳.

دوره تقنینی	مجموع قوانین	لوايح تبدیل شده به قانون	طرح‌های تبدیل شده به قانون	درصد لوایح	درصد طرح‌ها
دوره اول	۳۷۰	۲۷۹	۹۱	۷۵.۴۱	۲۴.۵۹
دوره دوم	۳۱۶	۲۵۸	۵۸	۸۱.۶۵	۱۸.۳۴
دوره سوم	۲۵۶	۱۳۶	۱۲۰	۵۳.۱۳	۴۶.۸۸
دوره چهارم	۳۴۲	۲۲۹	۱۱۳	۶۶.۹۶	۳۳.۰۴
دوره پنجم	۳۵۹	۲۵۰	۱۰۹	۶۹.۶۴	۳۰.۳۶
دوره ششم	۳۹۶	۳۰۸	۸۸	۷۷.۷۸	۲۲.۲۲
دوره هفتم	۳۳۳	۲۳۴	۹۹	۷۰.۲۷	۲۹.۷۳
دوره هشتم	۳۴۹	۲۳۳	۱۱۶	۶۶.۷۶	۳۳.۵۲
دوره نهم	۱۹۷	۱۰۴	۹۳	۵۲.۷۹	۴۷.۲۱

۱. پورسید، سید بهزاد «مروری بر چالش‌های نظام قانون‌گذاری ایران»، الف (۱ اردیبهشت ۱۳۹۳): en ligne : <<http://alef.ir/vdcgzw9x3ak9x34.rpra.html?223606>> (consulté le 22 décembre 2016).

۲. کشاورز، بهمن «علل تورم قوانین چیست؟، تبیان» ۱۸ (décembre 1392), en ligne : <<http://article.tebyan.net/273952/>> (consulté le 22 décembre 2016).

۳. مرکز مالگیری، احمد و محمدباقر پارسا، «اولویت قانون‌گذاری از طریق لایحه یا طرح؟ بررسی آماری نقش قوای مجریه و مقننه در ابتکار قانون‌گذاری»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ص ۱۹ : march 1392, en ligne : <<http://rc.majlis.ir/fa/report/show/846067>> (consulté le 8 february 2017), مالیگیری و سعید حاتمی زاده، «عملکرد تقنینی مجلس نهم در حوزه اقتصاد» (۷ خرداد ۱۳۹۱ لغایت ۶ خرداد ۱۳۹۵) ۱. تصویر کلی، مرکز پژوهش‌ها، ۴ <<http://rc.majlis.ir/fa/report/show/1003104>> : october 1395, en ligne : <<http://rc.majlis.ir/fa/report/show/1003104>> (consulté le 8 february 2017), ص ۳.

۱.۶. تورم حقوقی یک دغدغه تاریخی؟

اکنون جای طرح این پرسش است که آیا تورم حقوقی مسئله‌ای منحصر به زمان ماست؟ برپایه شواهد تاریخی زیر باید چنین نتیجه گرفت که خیر چنین نیست. در کتاب تاریخی «تاریخچهٔ تسیت‌ها» چنین ابراز شده است: «قوانینی پیشنهاد کردیم که نه تنها متضمن منافع جمعی نبود، بلکه بر عکس موجب ضرر به افراد هم بود و هیچ‌گاه قوانین زیاد وضع نمی‌شوند، مگر در زمان حکومت‌هایی که فاسدترند^۱». مونتین در کتاب «انشارات» می‌نویسد: «از انتخاب صدهزار مورد خاص و وضع صدهزار قانون برای آن، چه چیز عاید قانون‌گذاران ما شده است؟ این تعداد هیچ تناسبی با تنوع بی‌حد و حصر رفتارهای انسان ندارد. کثرت ابداعات ما (در قانون‌گذاری) حتی به پای تعداد مثال‌ها و موارد خاص هم نمی‌رسد ... تعداد قوانین ما در فرانسه بیش از تمام کشورهای دیگر است، درحالی که لازم نبوده ما برای همهٔ کشورهای اپیکور^۲ قانون وضع کنیم^۳». دو قرن بعد مونتسکیو خاطرنشان کرده است: «همان‌طور که قوانین نامفید موجب تضعیف قوانین ضروری می‌شود، وضع قانون در غیر از موارد لازم هم موجب تضعیف قانون‌گذاری می‌شود^۴».

کربونیه در ضمن اینکه مسئله را منحصر به زمان حاضر نمی‌داند، بیشتر بر نقش ویژگی‌های شخصیتی افرادی که در فرایند قانون‌گذاری دخیل هستند، تمرکز می‌کند: «اما این مسئله شاید بیشتر به احوال شخصی مرتبط باشد: یک متخصص جوان که نهال دانشی جدید یا فراتر از آن رویهٔ عملی حقوقی را می‌کارد، آرزو دارد که بتواند آن را به تعداد بی‌شماری از مسائل حقوقی آینده تعمیم دهد. همچنین حقوق‌دان درمانده‌ای که پس از طی راه طولانی در جنگلی انبوه و پرپشت، خسته شده است و به دنبال روزنهٔ نور و فضایی باز برای خروج از آن می‌گردد. تصویری که از ارتباط موضوع (تورم حقوق) با زمان یا تأثیر سن حقوق‌دانان (که حقوق‌دانان جوان مستعد

1 Tacite - *Annales*, Livre III, Paris, Flammarion, 1965, en ligne : <http://bcs.fltr.ucl.ac.be/TAC/AnnIII.html#27>] > (consulté le 8 février 2017), p. 151.
۲. شاید مراد از آن تمام دنیا باشد.

3. MONTAIGNE, *Essais Livre III*, Paris, Flammarion, 1588, en ligne : <https://www.abebooks.fr/Essais-Livre-III-Montaigne-Flammarion/17128557097/bd> > (consulté le 7 février 2017) p. 276.

4. Charles-Louis MONTESQUIEU et Baron De DE SECONDAT, *De l'esprit des lois*, 2, Paris, Flammarion, 1748, p. 305.

تولید بیشتر قوانین به دلیل کم‌تجربگی هستند) وجود دارد، باید تعدیل شود؛ ما چنین می‌پنداریم که بعضی امپراتوران بیزانس حتی تا دم مرگ هم از اضافه کردن به قوانین دست برداشته‌اند، درحالی‌که سالامون در سنین جوانی به هوشیاری و درک صحیحی از حقوق دست یافته بود^۱.

آثار محتمل تورم حقوق

آثار احتمالی و پیش‌بینی‌پذیر زیاده‌روی در قانون‌گذاری چیست؟ نخستین نتیجه‌ازدیاد قوانین و سایر منابع حقوق آن است که افراد آن جامعه باید زحمت بیشتری برای آگاهی از قواعد لازم‌الاجرای که بر روابط آنها حاکم است، متحمل شوند، حتی درباره قواعد خاصی که ممکن است به صورت مکرر برای یک شخص یا صنف معین پیش آید^۲. افزایش مصوبات قانونی منجر به پیچیده‌تر شدن حقوق می‌شود و درنهایت در اثر تقابل یا تعارض درونی قواعد و هنجارها، انسجام نظام حقوقی را با مشکل مواجه خواهد ساخت^۳. این دو به تضعیف امنیت حقوقی که شرط اساسی کارکرد یک نظام حقوقی است، می‌انجامد^۴.

شهروندانی که در شناخت حقوق خود با سردرگمی مواجه شوند، چاره‌ای جز مراجعه به حقوق‌دانان ندارند که خود منجر به بیشتر شدن هزینه‌های حقوقی می‌شود و دسترسی به دادرسی و عدالت را کمتر خواهد کرد. افراد جامعه برای به رسمیت شناخته شدن و حفاظت از حقوق خود باید مراحل و رویه‌های بیشتری را طی کنند. هرچه بیشتر شدن این مراحل، اثری سوء و قهقرایی دارد که تأثیرش بر فقرا بیش از ثروتمندان است. این مسئله نیز به تبع، موجب بدگمانی افراد جامعه به حقوق و ارائه‌دهندگان خدمات حقوقی خواهد شد. شناخت ناقص و نابرابر مردم از حقوق خود در کنار افزایش حجم قوانین، احتمال اجرای نادرست یا مغرضانه قوانین را تقویت می‌کند که خود از جمله عوامل ناامنی حقوقی و قضایی محسوب می‌شود.

1. Jean CARBONNIER, *Flexible droit: pour une sociologie du droit sans rigueur*, Paris, Librairie générale de droit et de jurisprudence, 1992, p. -+.

2. Jean CARBONNIER, *Droit et passion du droit: sous la Ve République*, Paris, Flammarion, 1996, p. 111.

3. Guido CALABRESI, *A common law for the age of statutes*, Cambridge, Mass., Harvard University Press, 1982, en ligne : <http://public.eblib.com/choice/publicfullrecord.aspx?p=3300124> (consulté le 7 février 2017), p.3-7.

4. Nicolas MOLFESSIS et Henri de CASTRIES, *Sécurité juridique et initiative économique: mai 2015*, Paris, Mare & Martin, 2015.

دو عنصر نامنی حقوقی و بی‌اعتمادی به حقوق ممکن است به سرپیچی از احکام قانون بینجامد، چه به شکل آشکار یا پنهان که در قالب اقتصادهای سیاه و خاکستری^۱ بروز می‌کند.^۲ قوای حاکمه که نمی‌تواند درمقابل این نافرمانی بی‌تفاوت بماند،^۳ احتمالاً برای جبران بی‌اثر بودن چنین قوانینی، متوسل به قانون‌گذاری مجدد خواهد شد. بدین‌سان یک قانون درصدد اصلاح قانون برآمده، که همین قانون هم ممکن است بی‌اثر واقع شود.

از جمله مصادیق شایع این پدیده می‌توان به «قانون‌گذاری پراکنده» اشاره کرد؛ یعنی «قانون‌گذاری موردی و متعدد، به ویژه اصلاحیه‌های مکرر به قوانین و الحاق مفاد جدید به قوانین پیشین، بدون دغدغه حفظ کلیت و سازگاری نظام حقوقی و دسترسی آسان مردم به قواعد حقوقی لازم‌الاجرا»^۴. نتیجه مستقیم این پراکندگی، تورم در قوانین (تورم قانون‌گذاری) است که مانع وضوح و در دسترس بودن قوانین و همچنین سبب ابهام بیش از پیش و بیش از حد نظام حقوقی است و در نهایت منجر به تضعیف حاکمیت قانون می‌شود.^۵ برای مثال از ۱۹۷ عنوان قانون مصوب مجلس نهم در ایران، ۱۳۳ عنوان آن مربوط به لوایح داخلی است که از آن تعداد، ۷۹ مورد آن قوانین اصلاحی، الحاقی، تفسیری و تمدیدی بوده‌اند و فقط ۵۴ قانون داخلی به تصویب رسیده‌اند.^۶

از همین روست که رنه مونوری رئیس سنای فرانسه از زمانی نه چندان نزدیک (در سال ۱۹۹۵) در بیان عواقب شوم این مطلب، انباشتگی متون قانونی را باعث کم‌ارزش شدن قوانین و تنزل شأن قانون‌گذاری دانسته است.^۷

۱. منظور اقتصادهای غیرقانونی و پنهان است که در آن معاملات بدون پرداخت مالیات و حقوق قانونی انجام می‌گیرند یا دال بر معاملات و عملیات تجاری مبهم و قابل سوءاستفاده است.

2. Peter H. SCHUCK, "Legal Complexity: Some Causes, Consequences, and Cures", (1992) 42-1 *Duke Law J.* 1, p. 24; Ejan MACKAAY et Stéphane ROUSSEAU, *Analyse économique du droit*, Paris, [Montréal], Dalloz ; Éd. Thémis, 2008, no. 623 ss, p. 167 s.

3. J. CARBONNIER, préc., note 33, p. 111s.

۴. مرکز مالبری، احمد و مهدی مهدی زاده، «قانون‌گذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران»، (۲۰۱۵) ۱۶-۴۷ پژوهش حقوق عمومی ۱۵۷-۱۸۴، ص ۱۵۸.

۵. *Id.* صص ۱۵۷-۱۵۹ و ۱۶۱.

۶. مرکز مالبری، احمد و س. حاتمی زاده 2، note préc., 8, ص ۱.

7. Bertrand MATHIEU, *La loi*, 3e éd., Paris, Dalloz, 2010, p.75

آیا می‌توان حوزه‌هایی خاص از قانون یا حقوق را محیط یا محیط‌هایی مستعدتر برای رشد و ازدیاد بی‌رویهٔ هنجارها و مقررات حقوقی دانست؟ بنابه نظر کربنیه، بیشترین مصادیق ظهور تورم قانون‌گذاری در حوزه‌های مالیاتی، حقوق کار و مسائل شهری و زیست‌محیطی است.^۱ تحقیقات انجام شده در ایران نیز بیشترین مرکز ثقل تورم قانون‌گذاری را در قوانین مربوط به کار، پولی-بانکی، تأمین اجتماعی، سرمایه‌گذاری خارجی و قانون تجارت نشان می‌دهد.^۲

تحلیل یکی از شاغلین در حوزهٔ صنایع (غیرحقوق‌دان) را که به صورت عملی با قوانین متکثر و بعضاً متناقض دست به‌گریبان است، با هم مرور می‌کنیم:

«به عنوان نمونه در خصوص مالیات، هم‌اکنون ۷۲۰ قانون در حال اجراست. کافی است تصور کنید که این حجم از قوانین تا چه میزان هم‌پوشانی خواهند داشت؛ یعنی برای یک موضوع چند قانون مختلف تولید کرده‌ایم، بنابراین می‌توان برای یک فعالیت، چند نوع متفاوت برخورد مالیاتی داشت و این جز ایجاد کانون‌های فساد و رانت در جامعه معنای دیگری ندارد. در این صورت محاسبه نمایند که فقط در این حوزه، کشور با چه فساد گسترده‌ای روبروست و آنگاه باز فقط در همین حوزهٔ مالیات، ملاحظه کنید که چه فرار مالیاتی گسترده‌ای در کشور در جریان است. تنها کافی است حوزهٔ معاملات زمین را در نظر بگیرید که با هدف فرار مالیاتی چه‌ها که نمی‌شود. نتیجه اینکه با داشتن ۷۲۰ قانون مالیاتی یکی از مالیات‌گریزترین کشورهای جهان هستیم»^۳.

از دیگر سو، بالا رفتن تعداد قوانین در دست تهیه باعث می‌شود که نمایندگان با زمان محدود و مشخصی که برای بررسی هر طرح یا لایحه دارند، به محتوای آنها توجه کمتری بکنند. در جبران این نقیصه، یا تمایل بیشتری به تصویب یک قانون به شکل کلی^۴ در زمانی محدودتر پیدا می‌شود که مانع از بحث و بررسی مفصل روی تک‌تک مواد می‌شود یا پدیدهٔ تفویض قانون‌گذاری به سایر مراجع پیش می‌آید که طی آن، مقنن وظیفهٔ تصویب قوانین را به نهادهای

۱ J. CARBONNIER, préc., note 33, p.110.

۲. کاظم جلالی، «متورم شدن قوانین باعث سردرگمی مراجع نظارتی می‌شود»، مرکز پژوهش‌های مجلس (۲۹ septembre 1395), en ligne : <<http://rc.majlis.ir/fa/news/show/1002424>> (consulté le 22 décembre 2016).

۳. اسماعیل رئیس‌سی، «تورم قانون»، ماهنامه صدای مردم ۱۶/۰۱/۹۵، en ligne : <<https://sedayemardommag.blog.ir/1395/01/16/>> (consulté le 22 décembre 2016).

4 Omnibus.

اداری در تصویب آیین‌نامه‌ها و مصوبات اجرایی واگذار می‌کند. در وضع قوانین، مفاهیم کلی و مبهم و کلیشه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد تا نمایندگان راحت‌تر بتوانند درباره آن به تفاهم برسند و تعیین مصداق مشخص و دقیق آنها به قضات یا عوامل اداری و اجرایی سپرده می‌شود.^۱ در این صورت، ممکن است اصول و قواعد بنیادین قانون‌گذاری نادیده گرفته شوند. پیر مازو، رئیس سابق شورای قانون اساسی فرانسه، چنین می‌اندیشد: «قانون خوب باید در دو صفحه نوشته شود، اما بیشتر قوانین طولانی هستند و مایه تفسیر و شرح و بسط بیشتر می‌شوند و تحت تأثیر رسانه‌ها و برای جلب نظر آنان وضع می‌شوند».^۲

از جنبه دیگری هم برای دسترسی آسان‌تر به قوانین در حالت افزایش بی‌رویه آنها، نیاز به مراجعه به فناوری‌های اطلاعاتی پیدا می‌شود. برفرض که حقوق‌دانان با استفاده از این ابزار راحت‌تر بتوانند متون حقوقی مربوط به مسئله موردنظر خود را بیابند، اما پیچیدگی روزافزون ماهیت حقوق هنوز پابرجاست. این پیچیدگی در فهم محتوایی حقوق، ناشی از افزایش مرتب متون حقوقی و قانونی است که در این صورت نمی‌توان از انسجام و ارتباط مسائل حقوقی با یکدیگر اطمینان پیدا کرد و احتمال تعارض درونی یک نظام حقوقی را بیشتر می‌سازد.^۳ پس باید به قوانین بالادستی روش نگارش صحیح قوانین توجه بیشتری داشت.

به بیان کلی، تورم حقوق هزینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای افراد و نهادهای اجتماعی ایجاد می‌کند. از منظر اقتصادی چنین پیش‌بینی می‌شود: مادامی که قوانین بیشتری داشته باشیم، هزینه مبادله^۴ برای اشخاص بیشتر می‌شود. در نتیجه مبادلات تجاری و به خصوص ابتکار و نوآوری را محدودتر می‌کند.

1. Ejan MACKAAY, « LES NOTIONS FLOUES EN DROIT OU L'ÉCONOMIE DE L'IMPRÉCISION », *Langages* 1979.53.,33-50.

2. D. LANSOY et P. SASSIER, préc., note 14, n. 183 of 3886

3. G. CALABRESI, préc., note 35, p. 3-7

۴. رناتی، محسن «بازار یا نابازار؟ کدام یک در زمینگیری اقتصاد ایران مقصود»، ویژه‌نامه شرق ۱۳۸۹، ۱۳؛ «هزینه مبادله شامل تمام هزینه‌هایی است که برای تولید، حمل و نقل، مبادله و مصرف یک کالا لازم نیست، اما در عمل بر طرفین مبادلات تحمیل می‌شود؛ مانند هزینه‌های کسب اطلاعات (درباره کیفیت و محتوای کالا و طرف قرارداد)، هزینه‌های کسب اعتماد، هزینه‌های عقد و تضمین مفاد قراردادها، هزینه‌های حفاظت از حقوق مالکیت و نظایر اینها. همچنین هزینه‌هایی که به علت ناکارآمدی نظام اداری در اجرای دقیق قوانین یا عدم شفافیت قوانین یا عدم پایبندی مقامات به قوانین و مصوبات دولتی یا تغییرات مکرر قوانین و سیاست‌های دولتی، بر افراد و فعالان اقتصادی تحمیل می‌شود، هزینه مبادله تلقی می‌شود».^۴

از دیگر آثار نامطلوب عرصه اقتصاد می‌توان از اثر قوانین مزاحم و دست‌وپاگیر در محیط کسب‌وکار یاد کرد که یکی از شاخص‌های مهم سنجش فضای کسب‌وکار در جهان است. حقوق ایران از این منظر دارای قوانین دست‌وپاگیر است که جایگاه کنونی ایران در بهبود فضای کسب‌وکار را به مقام ۱۱۷ تنزل داده است.^۱

از جمله هزینه‌های اجتماعی و سیاسی تورم و پراکندگی قوانین و مقررات بر شهروندان می‌توان به تحمیل هزینه‌های اداری برای فهم و استفاده بجا از قوانین، پیچیده‌تر کردن فرایند تصمیم‌گیری، شیوع نابرابری به‌خصوص در استفاده از خدمات عمومی و نقض امنیت حقوقی اشاره کرد. همچنین از جمله آثار آن بر مسئولان و مقامات حکومتی، از دو مورد زیر می‌توان یاد کرد: اول، هزینه‌های مدیریتی که در اثر تعلل و دیوان‌سالاری نامتعارف برای تصمیم‌گیری مقامات و کارمندان به دلیل ابهام مقررات ایجاد می‌شود؛^۲ مثلاً سردرگمی مراجع نظارتی را، به‌ویژه در بالاترین سطح آن، یعنی کاهش کارایی نظارت مجلس بر دستگاه‌های اجرایی، می‌توان از این قسم دانست.^۳

دوم، هزینه‌های سیاسی که به دولت برای به کارگیری قوای قهریه در راستای به اطاعت واداشتن مردم تحمیل می‌شود، درحالی‌که چه بسا مخالفت با قانون تعمداً نبوده است، بلکه به بی‌اطلاعی از آن برمی‌گردد^۴ و استفاده صحیح از روش‌های قانون‌گذاری، مانع آن خواهد شد.

۳. دلایل احتمالی پدیده تورم حقوق

در ابتدا مروری بر دلایل کلی مسئله تورم حقوق خواهیم کرد و آنگاه به بررسی دلایل در ایران خواهیم پرداخت.

→ برای اطلاع از تأثیرات مخرب هزینه مبادله در اقتصاد ایران، ر.ک: بازار یا نابازار، محسن رنانی، **بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران**، ۳، éd.، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت، ۱۳۸۹.

۱. سیدزاده، محمدحسن «تورم قوانین، مانع توسعه صنایع» - SMTnewspaper، «روزنامه صمت ۱۳۹۵: en ligne» (consulté le 22 décembre 2016). <<http://www.smtnews.ir/industry/22184-.html>>

۲. مرکز مالگیری، احمد م. et مهدی زاده. p. 40, note préc., 160.

۳. جلالی، کاظم. 4, note préc., 5.

۴. مرکز مالگیری، احمد م. et مهدی زاده. p. 40, note préc., 160.

۳.۱. بررسی کلی دلایل

گاهی پدیده تورم حقوق را به دلایل بیرون از حقوق نسبت داده‌اند؛ دلایلی همچون رشد اقتصادی، پیچیدگی بیشتر روابط اجتماعی بین افراد یا توسعه سطح آموزش عمومی که به انسان‌ها اجازه می‌دهد بیشتر بفهمند و لذا به حقوق همدیگر بیشتر احترام بگذارند. باین حال، نباید از نظر دور داشت که آمارهای امریکا چنان نشان می‌دهند که افزایش حجم مقررات فدرال رجیستر حتی از رشد جمعیت آنجا یا تولید خالص ملی هم پیشی گرفته است. طبق نظر شاک، عوامل پیش گفته نمی‌توانند دلیل مناسبی برای ازدیاد منابع حقوق باشند.^۱

برعکس چنین می‌توان نتیجه گرفت که ارزش زندگی انسان هم به همان نسبت افزایش ثروت مردم بیشتر می‌شود و پیامد آن ایجاد حساسیت بیشتر در برابر خطرهای زندگی اجتماعی است که به بالاتر رفتن احتیاط افراد در مقابل عوامل تهدیدکننده جان یا سلامت آنان منجر خواهد شد. در همین راستا می‌توان از تغییر جهت مسئولیت مدنی از جبران خسارت پس از حادثه به سمت برقراری رژیم پیش‌گیرانه ناظر به مراحل قبل از وقوع خسارت در قالب وضع قواعد سخت‌گیرانه رفتاری بازدارنده یا مجاز، یاد کرد. مثلاً در کانادا کاهش سرعت مجاز رانندگی درون شهری از ۵۰ کیلومتر در ساعت به ۴۰ یا حتی ۳۰ کیلومتر، بنابر وضعیت منطقه موردنظر، از همین دست است. مقررات بازدارنده‌ای که به منظور جلوگیری از وقوع حوادث پیش‌بینی و وضع می‌شوند، باید طبق معیارهای دقیق و از قبل محاسبه شده باشد. تلاش برای تأمین این هدف می‌تواند دلیلی بر افزایش قانون‌گذاری و وضع مصوبات قانونی بیشتر باشد و در صورت نداشتن کارایی لازم، نیازمند تعدیل یا وضع قوانین دیگر خواهد شد.

از زاویه دیدی دیگر، در جوامع مدرن چنین مشاهده می‌شود که میل روزافزونی به بازشدن جامعه و دادن آزادی‌های بیشتر به وجود آمده است؛ به نحوی که تا حد امکان بتوان همزیستی مسالمت‌آمیز افراد با عقاید و مذاهب مختلف را تأمین کرد. این تنوع عقاید ممکن است در اثر عواملی همچون مهاجرت و جابجایی‌های برون‌مرزی شکل گرفته باشد، یا دسترسی راحت به اینترنت که افراد را با روش‌های زندگی در خارج از محدوده زندگی خود آشنا و چشم آنها را به نقطه‌نظرات جدید و متفاوتی باز می‌کند. چه بسا ایجاد چنین همزیستی مسالمت‌آمیزی فقط با

1. P. H. SCHUCK, préc., note 38, p. 25.

مراجعه به رسوم و قواعد اجتماعی گروه‌های تشکیل‌دهنده یک جامعه تأمین نشود و نیازمند وضع قوانینی باشد که تمام جزئیات و حدود و ثغور این آزادی‌ها را به دقت تصریح نماید.^۱

در جوامع باز و آزاد، افرادی که منافع مشترکی دارند، از این حق برخوردارند که با یکدیگر تشکیل لابی^۲ دهند و از این طریق مجلس را برای تصویب سیاست‌ها و قوانینی که دربردارنده منافع آنان است، تحت فشار قرار دهند. به‌عنوان نمونه، می‌توان به رژیم مدیریت عرضه محصولات کشاورزی در کانادا و سایر کشورها اشاره کرد یا تمدید حق مؤلف در امریکا به هفتاد سال پس از مرگ نویسنده، درست نزدیک به انقضای مدت سابق پنجاه ساله حق کپی رایت میکی موس^۳، لابی‌گری روشنی است برای کسب امتیازات بیشتر از طریق اهرم سیاسی که عامه مردم در حالت عادی و در فضای اقتصاد آزاد به آن دسترسی ندارند. این پدیده در علم اقتصاد به نام کسب رانت یا ویژه‌خواری^۴ شناخته می‌شود.^۵ نتیجه تحقیقات اوسلون به خوبی نشان می‌دهد که استفاده از رانت در مقیاس کلان تا چه حد می‌تواند به از بین رفتن ابتکار و سرخوردگی نیروهای مبتکر یک جامعه منتهی شود.^۶ شاهد این نظریه بروز نوآوری‌ها و ابتکارات چشمگیر در آن دسته از کشورهای اروپایی است که پس از جنگ جهانی دوم و اشغال کشورشان ساختار معمول رانت‌خوارانه سابق به هم خورد و ساختار عادلانه‌تری حاکم شد.

دلیل تورم حقوق، هر کدام از عوامل یادشده که باشد، یک گروه هست که در هر صورت و همیشه از این وضعیت منتفع می‌شود: حقوق‌دانان. پارلمان‌ها که معمولاً تعداد قابل‌توجهی حقوق‌دان در آنجا مشغول به کارند، به این رویه علاقه دارند. چون به سیاست‌مداران این امکان را می‌دهد که مزایای منحصر به فردی را به نفع خود یا اشخاص محدود و معینی در قالب احترام به آرای عمومی تصویب کنند. نظام اداری نیز که موظف به اجرای مصوبات سیاست‌مداران است، از این پدیده تعدد و پیچیدگی قوانین استقبال می‌کند؛ زیرا این آشفتگی، نظارت بر کار آنان را

1. G. CALABRESI, préc., note 35, p. 1.

2. interest group.

3. Sonny Bono Copyright Term Extension Act of 1998 (US), S 505, P.L. 105-298, 11 Stat. 2827, <http://www.copyright.gov/legislation/s505.pdf>.

4. rent seeking.

5. Anne O. KRUEGER, « The political economy of the rent-seeking society », (1974) 64-3 *Am. Econ. Rev.* 291-303; *Id.*; E. MACKAAY et S. ROUSSEAU, préc., note 3A, n. 606, p. 162.

6. Mancur OLSON, *The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation, and Social Rigidities*, Yale University Press, 1982.

سخت‌تر می‌کند و در عمل استقلال و آزادی بیشتری به آنان می‌بخشد. و کلاً هم به نوبه خود این پدیده را از آن رو که درخواست مراجعین آنها را بیشتر می‌کند، دوست دارند و قضات نیز بدان سبب که موجب افزایش اقتدار عملی آنان است. در نهایت، دانشگاهیان هم نگاه مثبتی به این مسئله دارند؛ از آن رو که باعث رونق فعالیت آنان در زمینه ارائه طبقه‌بندی‌های جدید در ساختار حقوق، تفاسیر نو، توجیه و دفاع از قوانین یا حتی انتقاد از آن و طرح مباحث راجع به اصلاحات حقوقی خواهد شد.

حقوق‌دانان در تمام این طبقات دولتی یا حرفه‌ای حضور دارند. مجامع آنان به خوبی قادرند که لابی‌های مؤثری تشکیل دهند که مستقیماً یا از طریق مواردی چون توصیه به افزایش قانون‌گذاری، بر ایجاد تورم حقوق تأثیر بگذارند و با قرار گرفتن در مسیر دسترسی افراد به حقوقشان و واسطه بودن در روند دادرسی، منافع خود را تأمین کنند.

۳.۲. بررسی علل مشکل در حقوق فعلی ایران

اصلاحات مکرر قوانین و استفساریه‌ها در ایران یکی از عمده دلایل تورم قانون‌گذاری است که نشان‌دهنده نداشتن دقت کافی در زمان وضع قوانین است؛ تاجایی که حتی در برخی موارد، فاصله تصویب قانون تا اصلاح آن به چند ماه هم نمی‌رسد. این مسئله می‌تواند از آنجا ناشی شود که:

«نظام تقنینی ما به‌طور جدی به‌دنبال تصویب قوانین جزئی و موردی است تا قانون جامع و البته این جزئی‌نگری باعث می‌شود تا قانون در بخشی اصلاح شود و البته بعضاً این اصلاح در بخش دیگری، خود ایجاد مشکل کند. فقدان هماهنگی بین این اصلاحات و ایجاد مشکلات اجرایی تبعات این نوع نگاه به موضوع تقنین است. ضمن اینکه معمولاً این اصلاحات جزئی بدون هماهنگی قبلی با دستگاه‌های اجرایی صورت می‌گیرد؛ یعنی چه‌بسا این اصلاح مشکل یک دستگاه را مرتفع، ولی برای دستگاه دیگر ایجاد اشکال نماید»^۱.

به بیان دیگر، اولین و آشکارترین ریشه مشکل را از قوه قانون‌گذاری دانسته‌اند که بدون ارزیابی دقیق و کارشناسانه و بدون توجه به پیامدهای وضع قانون و نیز زمان مناسب برای اصلاح یک قانون، قانون‌گذاری می‌کند. نهاد قانون‌گذاری در ایران، به مثابه ضرب‌المثل قدیمی و

۱. س. ب. پورسید ۲ note préc., ۶.

نه چندان درست «هر چه بیشتر، بهتر»، تکرر قوانین را امری مثبت و بلکه از وظایف خود می‌داند. نظام حقوقی فربه‌ی که به تولید قوانین متعدد، مشابه و هم‌پوشان و گاهی حتی متعارض اقدام می‌کند و تفسیر و اجرای قوانین را مشکل می‌سازد.^۱ دامنهٔ مشکل تا به جایی پیش رفته است که حتی بنابر نظر برخی نویسندگان، می‌توان نظام حقوقی ایران را «فاقد تدوین و تنقیح» دانست.^۲ به عنوان شاهد این مدعا می‌توان به بی‌توجهی به اصول درست قانون‌گذاری و برخی کوتاهی‌های قانون‌گذار در مشخص کردن وضعیت قوانین پس از اصلاح یا نسخ و الغای آنها اشاره کرد؛ از جمله: اصلاح مفاد برخی قوانین در قوانین نامرتبب دیگر^۳ یا نسخ و الغای یک قانون در قوانین نامرتبب^۴ نسخ ضمنی قوانین به طور کلی و مبهم و بدون ارجاع دقیق به آنکه بار تکلیف را به دوش مجریان یا مکلفان مقررات می‌اندازد.^۵

یکی دیگر از دلایل «ناکارآمدی ساختار مجلس» این است که فرایند بهینهٔ تولید قانون توسط تبدیل لوایح پیشنهادی دولت به مجلس باید انجام گیرد، تا طرح‌های خود نمایندگان.

«معمولاً لوایح، نتیجهٔ ساعت‌ها فعالیت کارشناسانهٔ دولت است که توسط ده‌ها یا صدها متخصص طی زمانی نسبتاً طولانی تهیه می‌شود (و البته همواره با اشکالات بسیاری نیز روبروست) اما نکتهٔ اینجاست که همین کارشناسی نیم‌بند، توسط ۲۹۰ نمایندهٔ محترم مجلس مورد قضاوت قرار می‌گیرد. نمایندگانی که در بهترین شرایط تعداد نخبگان آنان در حوزهٔ مورد بحث به تعداد انگشتان یک دست نیز نمی‌رسد. حال چنانچه این تعداد انگشت‌شمار بخواهند کار تیمی ده‌ها یا صدها نفری کارشناسان دولت را اصلاح کنند، نتیجهٔ چه خواهد شد؟ اضافه کنید اینکه در غالب موارد بقیهٔ نمایندگان که در حوزهٔ مورد بحث تخصصی ندارند، بدون مطالعه وارد جلسه می‌شوند و در همان زمان مذاکره و رأی‌گیری است که اصولاً از دستور کار اطلاع می‌یابند؟ بنابراین در شرایطی که نه تنها تخصصی در بحث ندارند، بلکه فرصتی نیز برای مطالعهٔ قبلی در خصوص لایحهٔ مورد

۱. مرکز مالگیری، احمد م. مهدی زاده، préc., p. 163.

۲. *Id.*, p. 182.

۳. *Id.*, p. 165.

۴. *Id.*, p. 170.

۵. *Id.*, p. 171.

۶. رئیس‌ی، اسماعیل 4 préc., note ۶.

نظر نداشته‌اند، در این صورت تنها راهی که می‌ماند، الگوبرداری است. نمایندگان عموماً در حوزه‌ای که تخصص آنان نیست، به دلایل متعددی که در ادامه گفته خواهد شد، با نگاه به سایر همکاران (نمایندگانی که در موضوع مورد بحث احتمالاً تجربه یا تخصصی دارند) رأی می‌دهند. بنابراین در عمل، هیچ‌گاه عموم نمایندگان مشارکت واقعی در قانون‌گذاری ندارند. از سوی دیگر، تراکم کار مجلس اجازه بحث مبسوط را نمی‌دهد؛ وقتی که همواره ده‌ها یا صدها لایحه و طرح در نوبت بررسی قرار دارند، مجلس همواره خود را در تنگنای زمانی احساس می‌کند. در چنین شرایطی آنچه نتیجه‌گیری می‌شود، این است که قانون مصوب مجلس از نظر توان حل مشکلات کشور نه تنها از لوائح دولت قوی‌تر نیست، بلکه ضعیف‌تر نیز هست... مشکل، ناکارآمدی است و نه کمبود قوانین. مسئله عدم نظارت است^۱.

بنابراین، علاوه بر انتقاد از ساختار مجلس، کم‌کاری قوه مجریه در تهیه و پیشنهاد لوائح مورد نیاز واقعی جامعه را نیز باید در نظر گرفت. در ایران، چنان‌که پیشتر اشاره رفت، نقش کم‌رنگ دولت در ارائه لوائح قانون‌ساز به خوبی مشهود است. آمار این‌گونه نشان می‌دهند که در دوره هشتم مجلس، تمایل نمایندگان به قانون‌گذاری بیش از هر زمان دیگری به چشم می‌خورد و از تعداد ۶۹۷ پیشنهاد تقنینی، ۴۸۰ طرح (۶۸.۸٪) و فقط ۲۱۷ لایحه (۳۱.۳٪) در آن، از سوی دولت ارائه شده است که البته از این تعداد ۱۹۷ قانون به تصویب رسیده و سهم لوائح از آن ۱۰۴ (۵۲.۷۹٪) و طرح‌ها ۹۳ مورد (۴۷.۲۱٪) بوده است.^۲

شایان ذکر است که نه فقط تمایل نمایندگان برای تبدیل طرح‌هایشان به قانون بیشتر شده، بلکه در زمینه لوائح پیشنهادی هم بخش قابل توجهی از لوائح ارائه‌شده توسط دولت مربوط به تصویب اسناد و معاهدات بین‌المللی بوده است (طبق اصول هفتاد و هشتم و یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی) و کاهش محسوس سهم لوائح داخلی به چشم می‌خورد؛ به عنوان مثال، میانگین لوائح داخلی و مدیریتی کشور در کل دوره مجلس هشتم حدود ۳۶٪ بوده و در سال

1. *Id.*

۲. مرکز مالیری، احمد et س. حاتمی زاده، *note*، p. ۲۸, préc., 1-3.

پایانی آن، حتی به کمتر از ۱۴٪ رسیده است. فقدان این تعامل بین قوای مجریه و قوه قانون‌گذاری ممکن است آثار ناخوشایندی را به نظام حقوقی و سیاسی کشور تحمیل کند.^۱

طبق جدول زیر، لوایح مربوط به اسناد بین‌المللی در مجالس ششم و هفتم و هشتم بیش از ۴۰٪ مصوبات مجلس را به خود اختصاص داده‌اند که این مسئله در مجلس نهم اندکی کمتر و حدود ۳۲٪ است.^۲ تازه از میان لوایح و طرح‌های داخلی نیز مطابق گزارش اخیر رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، «بیشترین قوانین ادوار قبل از نوع اصلاحیه قوانین قبلی یا استفساریه بوده است» که اگر به صورت صحیح و شفاف بیان و دسته‌بندی نشوند، خود معضلی تازه و سبب سردرگمی بیش از پیش افراد برای اطلاع از قانون و عمل به آن خواهد شد.^۳

جدول ۵. نسبت میان لوایح حاوی اسناد بین‌المللی و قوانین مصوب مجلس از دوره ششم تا انتهای مجلس نهم (۱۳۷۹ - ۱۳۹۵).

درصد اسناد بین‌المللی	تعداد اسناد بین‌المللی مصوب	تعداد کل قوانین مصوب	دوره قانون‌گذاری
۴۵٪	۱۷۸	۳۹۶	ششم
۴۴٪	۱۴۷	۳۳۳	هفتم
۴۲٪	۱۴۹	۳۴۹	هشتم
۳۲٪	۶۴	۱۹۷	نهم

۴. راه‌حل‌های ارائه‌شده

از نخستین راه‌حل‌های پیشنهادشده در برابر تجمع قوانین و هنجارها، استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی برای مسلط شدن بر انبوه مصوبات حقوقی است. این مسئله همچنان با صبغه سیاسی و مبتنی بر انجام اصلاحات حقوقی (در مقایسه و الهام‌گیرنده از آنچه که در کشورهای دیگر انجام می‌پذیرد) و کاهش تولید قوانین و سایر منابع حقوقی مرتبط است. این ابزار چه در مرحله نمایش مصوبات (به نحوی که تمام متون مصوب در یک جا و یک صفحه نمایشگر و با راه‌های نسبتاً یکسانی در دسترس باشند)، چه در مرحله به‌کارگیری، تسلط بر قوانین را آسان‌تر می‌سازند.

۱. مرکز مالگیری، احمد et م. پارسا 20-22 p. préc., note 2.

۲. Id.; مرکز مالگیری، احمد et م. پارسا، حاتمی زاده، 2. p. 11 et 3p. préc., note 2.

۳. جلالی، کاظم 4. p. 5. préc., note 4.

جوامع مدرن در گذر زمان و در اثر استفاده فراوان، با چنین ابزار کمکی مأنوس شده و آن را توسعه داده‌اند که خود به تسلط بیشتر بر محتوای مطالب حقوقی نسبت به روش‌های سنتی چاپی و کاغذی و مجموعه‌های قطور قوانین انجامیده است.

استفاده از چنین فناوری‌های اطلاعاتی، عواقب نامطلوبی نیز با خود به دنبال دارد که نباید از آن غفلت ورزید. یکی از این خطرها، تمرکز بیش از حد بر جنبه تکنیکی قواعد و هنجارهاست. بدین شکل که فهم ما از حقوق را به یک زبان منطقی الزام‌آور محدود می‌کند و موجب نادیده گرفتن کارکردهای اجتماعی متوقع از حقوق می‌شود.

اگر بپذیریم که استفاده از ابزارهای تکنیکی تا حدی بر تسلط شکلی ما از قوانین و مقررات تأثیر خواهد گذاشت، نوبت به پیدا کردن راه‌های تسلط بر محتوای حقوق متورم می‌رسد. چنان‌که پیش از این اشاراتی به تصویب قوانین به شکل کلی و نیز استفاده از مفاهیم قانونی منعطف و استاندارد کردیم، می‌توان گفت که با استفاده از این راه می‌توان وظیفه تعیین و تحدید محتوای چنین مصوباتی را به مراجع اداری (در موارد قانون‌گذاری تفویضی)، محاکم یا سایر مراجع دولتی و رسمی سپرد.

راه‌حل پذیرفته شده در اغلب پارلمان‌های دنیا در اولویت دادن به تصویب قوانین لایحه‌محور است تا طرح‌های نمایندگان مجلس^۱. این راه‌حل در برخی از پارلمان‌های دنیا نیز معمول است؛ چنان‌که برای مثال در لهستان حدود ۵۲٪، در اسلونی حدود ۹۵٪ و در آلمان حدود ۸۰٪ قوانین لایحه‌بنیان بوده و سایر کشورهای اروپایی کمابیش روند مشابهی را اتخاذ کرده‌اند یا در حال پیروی از آن هستند^۲. در هفت دوره نخستین مجالس شورای اسلامی، بیش از ۷۰٪ قوانین مصوب توسط لوایح بوده است و کمتر از ۳۰٪ توسط طرح‌های نمایندگان، در حالی‌که چنانچه پیشتر دیدیم، در مجلس هشتم تمایل نمایندگان به ارائه طرح‌ها فزونی یافته و حدود نیمی از قوانین مصوب بر این اساس بوده است^۳.

دلیل تقدم لایحه بر طرح چنین توجیه می‌شود:

۱. مرکز مالگیری، احمد م. پارسا 2, p. ۸, préc., note ۲.

2. *Id.*, p. 12-15.

3. *Id.*, p 6 & 17-20.

«معمولاً قاعده این است که در صورت بروز اختلال، ضعف یا عدم تعیین تکلیف در یک حوزه، دستگاه‌های اجرایی که عملاً خط مقدم برخورد با مشکلات و نارسایی‌های مربوطه می‌باشند، مسئله را به سطوح بالا انعکاس می‌دهند. انتقال پلکانی این مشکلات از قاعده هرم به رأس، باعث می‌شود دولت نسبت به موضوع عکس‌العمل نشان دهد و این عکس‌العمل در قالب لایحه به مجلس تقدیم می‌شود. البته هیچکس نمی‌تواند ادعا کند که لوایح خالی از اشکال‌اند، ولی موضوع این است که معمولاً لوایح، نتیجه ساعت‌ها فعالیت کارشناسان دولت است که توسط ده‌ها یا صدها متخصص طی زمانی نسبتاً طولانی تهیه می‌شود».

همچنین می‌توان به دو راه‌حل تکمیلی ساده‌تر کردن زبان حقوق و مقررات‌زدایی نیز فکر کرد. جنبش ساده‌سازی زبان^۲ با چشم‌انداز آسان‌تر کردن وظیفه شهروندان در فهم متون قانونی و قراردادهایی که مکلف به اجرای آن هستند، شکل گرفت.^۳ در سال ۲۰۱۰ قانونی فدرال در امریکا به نام «نگارش ساده قوانین»^۴ به تصویب رسید که طبق آن نیروهای اداری فدرال را به انشای ساده قوانین یا حتی بازنویسی آنها به زبانی قابل فهم برای عموم ملزم می‌کند.^۵ اتحادیه اروپا هم در سال ۲۰۰۹ در بیانیه‌ای راهکارهای ساده‌نویسی و قواعد و مقررات را منتشر کرده است.^۶ با وجود این، ایراداتی هم در این زمینه وجود دارد که آسان‌سازی ظاهر قوانین نمی‌تواند از پیچیدگی‌های نهفته در محتوای آنها پیشگیری کند.^۷ بنابراین نقش ساده کردن ادبیات حقوقی بر کاستن از تورم حقوق، جای تأمل دارد.

۱. رئیس، اسماعیل 4 note préc., ..

2. plain language.

3. Carl FELSENFELD, "The Plain English Movement in the United States", (1981) ", 6 *Can. Bus. Law J.* 408; Martin FINGERHUT, "The Plain English Movement in Canada ", (1981) 6 *Can. Bus. Law J.* 446-452.

4. Plain Writing Act.

5. US Pub.L. 111-274; voir https://en.wikipedia.org/wiki/Plain_language.

6. *L'information pour tous - Règles européennes pour une information facile à lire et à comprendre*, Union Européenne, 2009, en ligne : <http://easy-to-read.eu/wpcontent/uploads/2014/12/FR_Information_for_all.pdf>.

7. Joshua D. BLANK et Leigh OSOFSKY, *Simplexity: Plain Language and the Tax Law*, SSRN Scholarly Paper, ID 2759486, Rochester, NY, Social Science Research Network, 2016, en ligne : <<https://papers.ssrn.com/abstract=2759486>> (consulté le 7 février 2017).

همچنین در سال‌های ۱۹۸۰ حرکت دیگری در راستای مقررات‌زدایی^۱ فعالیت‌های اقتصادی شکل گرفت. هرچند که این جنبش را به نخست‌وزیر وقت انگلستان، خانم تاچر، و رئیس‌جمهور امریکا، ریگان، منسوب می‌کنند، اما دامنه تأثیر آن به سایر کشورها نیز گسترده شد. هدف از مقررات‌زدایی، حذف یا لاقط کاهش قواعد و مقررات از مجرای کاستن از قانون‌گذاری و سایر راه‌های تولید مقررات است. این حرکت با وجود موفقیت ابتدایی چشمگیری که داشت، چندان دوام نیاورده است و طبق گواهی آمار، تورم حقوق به روال سابق خود جریان دارد.

در نهایت، می‌توان به روش‌های مستقیم‌تری اشاره کرد؛ نظیر کنترل توسط قانون اساسی که تولید قانون‌گذاری را محدود می‌کند. به این بیان که درازای هر قانون جدید، باید یک یا چند قانون سابق را نسخ کرد. این کار شبیه بودجه تعادلی است که پژوهشی تازه، اثر بازدارنده واقعی آن را تأیید می‌کند.^۲ در خصوص قانون‌گذاری فرمول چنین است: «یک قانون (محذوف) درازای یک قانون (جدید)^۳ یا حتی دو قانون (محذوف) در برابر یک قانون (جدید)^۴. با نگاهی اجمالی به آنچه در برخی مطبوعات منتشر شده است، می‌توان فهمید که این روش پذیرفته شده در آلمان، کانادا، فرانسه و انگلیس ممکن است آثاری واقعی و راهگشا داشته باشد.^۵ حکومت کانادا در گزارش سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵ خود از اجرای قاعده (یک به جای یک) در خصوص آیین‌نامه‌ها ارزیابی مثبتی ارائه کرده است.^۶

به نظر می‌رسد که در ایران نیز دولت تلاش‌هایی را در زمینه مقررات‌زدایی آغاز نموده است؛ چنانچه دولت یازدهم نیز با ابلاغ دستوری، برخی دستگاه‌ها را موظف به بررسی قوانین و تعدیل و اصلاح آنها کرده است.

«به گفته رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران، وزارت جهاد کشاورزی نخستین دستگاهی است که با بررسی ۳۵۰ قانون و حذف و ادغام آنها تعداد این قوانین را به ۹۰

1 Deregulation.

2 Zareh ASATRYAN, César CASTELLÓN et Thomas STRATMANN, *Balanced Budget Rules and Fiscal Outcomes: Evidence from Historical Constitutions*, SSRN Scholarly Paper, ID 2777148, Rochester, NY, Social Science Research Network, 2016, en ligne : <<https://papers.ssrn.com/abstract=2777148>> (consulté le 7 février 2017).

3 One for one.

4 Two for one.

5 Annetta HOLL, " La règle du " un pour un " peut-elle freiner l'activité normative ? | La vie économique" (24 2015), en ligne : <<http://dievolkswirtschaft.ch/fr/2015/09/2015-10-holl-franz/>> (consulté le 7 février 2017).

6 Canada 2015, sous Règle du " un pour un ".

قانون کاهش داده است. بررسی تعداد قوانین حذف یا ادغام شده حاکی از تورم بیش از حد قوانین در دستگاه‌های اجرایی است. وزارت صنعت، معدن و تجارت، به‌عنوان دومین وزارتخانه پیش‌قدم در این موضوع، از سال گذشته با تشکیل شورای مقررات‌زدایی از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی اصلاح آیین‌نامه‌ها و روند صدور مجوزها را در دستور کار قرار داد و در راستای بهبود فضای کسب‌وکار اقدام به ادغام و حذف مجوزها در بخش‌های مختلف کرد. اما اکنون پس از یک سال نظرسنجی از بخش‌های دولتی و خصوصی و تشکیل جلسات متعدد اقدام به تدوین و ارسال لایحه اصلاح قوانین مزاحم به مجلس کرده است^۱.

اما از منظری کلی‌تر، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس در باب مقابله با تورم و پراکندگی قوانین در ایران به راه‌حلهایی مانند چابک‌سازی و یافتن معیارهای صحیح قانون‌گذاری، استفاده از همکاری جمعی متخصصین حوزه‌های مختلف در تدوین قوانین، اجتناب از به‌کارگیری مدل آزمون و خطا در فرایند قانون‌گذاری و نگاه دوراندیشانه به آثار عینی تصویب یک قانون در سطح جامعه اشاره کرده است. راه‌حل‌های مؤثری که از هم‌اکنون باید به آن اندیشید و آن را اجرا کرد، تا در آینده بتوان از نتیجه آن برخوردار شد^۲.

«وی در ادامه، در تشریح چابک‌سازی فرایند قانون‌گذاری، شاخص‌گذاری را یکی از لوازم این بخش خواند و یادآور شد: شاخص‌گذاری نظام قانون‌گذاری مطلوب همانند یک شاقول، از پراکندگی، روزمرگی و انحراف پژوهش‌های تقنینی پیشگیری می‌کند و مسیر درست را به محقق نشان می‌دهد. پس یکی از عناصر مهم توانمندسازی پژوهش‌های تقنینی، هم‌اندیشی صاحبان خرد و تجربه برای تبیین شاخص‌های قانون‌گذاری مطلوب در افق ایران ۱۴۰۴ است. تازمانی که شاخص‌ها مشخص نباشند، مانند آن است که در دریای طوفان‌زده بدون فانوس و قطب‌نما به مسیر خود ادامه می‌دهیم که نتیجه آن ایجاد بانک متورم قوانین در کشور خواهد بود^۳».

۱. سیدزاده، محمدحسن، note préc., ۵۲.

۲. جلالی، کاظم 4 préc., note ۵.

3. *Id.*

نتیجه گیری

بر مبنای پیشینه و مطالبی که تاکنون درباره تورم حقوق مرور کردیم، چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟ مشخص کردن پدیده تورم حقوق، به خصوص تعیین ابعاد آن، کار دشواری به نظر می‌رسد. آماري که درباره منابع تورم حقوق منتشر شده و دربردارنده مقدار قانون‌گذاری رسمي (يعنی تصویب قانون به معنای دقیق کلمه) و قانون‌گذاری واگذار شده (آیین‌نامه‌ها و مصوبات اجرایی) است، نمی‌تواند مستقیماً و با شمارش صرف آنها مورد استناد قرار گیرند؛ زیرا گاهی آن منابع دربردارنده اسناد و مدارکی است که هیچ ارتباطی به مقررات به معنای هنجارهای الزام‌آوری که تنظیم‌کننده نظم و روابط اجتماعی است، ندارند. برای حصول به مفهومی سنجش‌پذیر، باید مشخص کرد که چه چیز قوانین موضوعه و منابع هنجاری الزام‌آور حقوق را از سایر هنجارهایی که بر روابط اجتماعی تأثیرگذارند، مجزا می‌کند. پس از این مرحله باید بر سر روش اندازه‌گیری آن به توافق رسید: شمارش تعداد مصوبات یا تعداد صفحات و یا تعداد حروف و کلمات؟ آیا چنین مقیاس‌هایی به‌درستی بیانگر میزان واقعی تورم حقوق در یک جامعه هستند؟

برای عنوان یافتن تورم حقوق، قواعد باید به گونه‌ای نامتناسب با نیازهای زندگی در آن جامعه تکثیر شوند. با این فرض، این پرسش مطرح می‌شود که شاخص مناسب برای تعیین نیازهای زندگی اجتماعی چیست؟ تعداد شهروندان جامعه که نمی‌تواند باشد، زیرا اختلافات احتمالی بین افراد که نیاز به حل و فصل قضایی دارد، به نسبت جمعیت رشد پیدا نمی‌کنند. به نظر می‌رسد که رشد مقدار «نیازهای حقوقی» با افزایش جمعیت، نسبت معکوس پیدا می‌کند و کاهش می‌یابد. بیشتر می‌توان به رابطه بین نیازهای حقوقی و پیشرفت‌های تکنولوژیک و مانند آن اشاره کرد که در اثر آن روابط اجتماعی تازه و راه‌های جدید فرصت‌طلبانه، مجال ظهور می‌یابند. منتها هنوز نمی‌توان به معیاری روشن دست یافت که به‌وسیله آن بتوان این پیشرفت‌ها را در یک فاکتور قابل اندازه‌گیری خلاصه کرد. فارغ از بحث سختی‌های موجود در سنجش مسئله، با یک نگاه اجمالی به وضعیت کنونی جوامع معاصر می‌توان تصدیق کرد که حجم حقوق در اغلب کشورهای توسعه‌یافته در حال افزایشی نامتناسب و بی‌رویه است. هنوز اختلالات سیستمی که از این مسئله ناشی می‌شوند، به علت استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی در تمام مراحل وضع قانون، آماده‌سازی و اعمال آن، چندان ظاهر نشده‌اند. اتکا به چنین وسایلی خطر

غفلت از کارکردها و وظایف اجتماعی حقوق را دربردارد و ممکن است به برداشتی صرفاً تکنیک‌گرا و پوزیتیویستی از حقوق منتهی شود.

عوامل متعددی می‌توانند در پیدایش تورم حقوق دخیل باشند که عبارت‌اند از: افزایش روزافزون ارزش زندگی انسان که قانون‌گذاران محتاط را به وضع مقررات حمایتی وامی‌دارد؛ گسترش تنوع عقاید و دیدگاه‌ها در شرایطی که حفظ چنین همزیستی مسالمت‌آمیزی فقط به وسیلهٔ هنجارهای اجتماعی کافی نیست و وضع قوانین حمایتی را لازم دارد؛ فعالیت‌های شدید لابی‌هایی که برای تأمین منافع خود متوسل به وضع قوانین می‌شوند و بدون چنین پشتوانهٔ قانونی، امکان دستیابی به امتیازات مورد نظر را در شرایط رقابت برابانه ندارند و در انتها حقوق‌دانان که یکی از انواع این گروه‌ها هستند، منافع خود را در افزایش مصوبات قانونی یا سایر منابع حقوق می‌بینند. دو عامل اخیر همپای هم پیش می‌روند تا زمانی که حقوق‌دانان هستند، لابی هست و بالعکس.

در مقالهٔ حاضر نتوانستیم سهم هرکدام از این عوامل را در واقعیت امر مشخص کنیم. اگر دو عامل اول را که برخاسته از تکامل جوامع بوده و تاحدی توجیه‌گر نیاز به قوانین بیشترند، مبنا قرار دهیم، آنگاه باید از خود پرسید که تا چه حد افزایشی را می‌توان مجاز دانست. برخلاف این دو، دو عامل آخر در مظان اتهام هستند و پدیدهٔ نامطلوبی تلقی می‌شوند، زیرا به آسانی کنترل‌شدنی نیستند و چنانچه دیدیم، منحصر به زمانهٔ ما هم نیستند. پرسش اینجاست که چگونه می‌توان آنها را مهار کرد؟ اتخاذ سیاست «یک (قانون) به جای یک (قانون)» می‌تواند سد نفوذ مناسبی بر سر راه این تورم باشد. در مقام نتیجه‌گیری می‌توان به این کلام کربونیه اشاره کرد: «در نهایت، اگر راه‌حل معقول درون هر یک از ما یافت بشود، آیا در هوشیاری بیشتر ما در به‌کارگیری (درست و به‌جا) از حقوق نیست؟»^۱.

1. J. CARBONNIER, préc., note 29, p. 114

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. پورسید، سید بهزاد، *مروری بر چالش‌های نظام قانون‌گذاری ایران*، الف (۱ اردیبهشت ۱۳۹۳) (consulté le 22 décembre 2016), en ligne : <<http://alef.ir/vdcgzw9x3ak9x34.rpra.html?223606>>
۲. جلالی، کاظم، *متورم شدن قوانین باعث سردرگمی مراجع نظارتی می‌شود*، مرکز پژوهش‌های مجلس (۲۹ septembre 1395), en ligne : <<http://rc.majlis.ir/fa/news/show/1002424>> (consulté le 22 décembre 2016).
۳. مرکز مالگیری، احمد و پارسا، محمد باقر، *اولویت قانون‌گذاری از طریق لایحه یا طرح؟ بررسی آماری نقش قوای مجریه و مقننه در ابتکار قانون‌گذاری*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۹ march 1392.
۴. مرکز مالگیری، احمد و حاتمی زاده، سعید. *عملکرد تقنینی مجلس نهم در حوزه اقتصاد* (۷ خرداد ۱۳۹۱ لغایت ۶ خرداد ۱۳۹۵) ۱. تصویر کلی، مرکز پژوهش‌ها، ۴ october 1395.
۵. مرکز مالگیری، احمد و مهدی زاده، مهدی، «*قانون‌گذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران*»، (۲۰۱۵) ۱۶-۴۷ پژوهش حقوق عمومی.
۶. رنای، محسن، *بازار یا نابازار؟ کدام یک در زمینگیری اقتصاد ایران مقصرد، ویژه نامه شرق* ۱۳۸۹، ۱۲-۱۳.
۷. رئیسی، اسماعیل، «*تورم قانون*»، ماهنامه صدای مردم ۱۶/۰۱/۹۵, en ligne : <<https://sedayemardommag.blog.ir>> (consulté le 22 décembre 2016).
۸. سیدزاده، محمدحسن، «*تورم قوانین، مانع توسعه صنایع*» - SMTnewspaper, روزنامه صمت (۱۳۹۵), en ligne : <<http://www.smtnews.ir/industry/22184-.html>> (consulté le 22 décembre 2016).
۹. کشاورز، بهمن، «*علل تورم قوانین چیست؟*»، تبیان ۱۸ (décembre 1392), en ligne : <<http://article.tebyan.net>>

ب) منابع انگلیسی

10. ASATRYAN, Z., C. CASTELLÓN et T. STRATMANN, *Balanced Budget Rules and Fiscal Outcomes: Evidence from Historical Constitutions*, SSRN Scholarly Paper, ID 2777148, Rochester, NY, Social Science Research Network, 2016, en ligne : <<https://papers.ssrn.com/abstract=2777148>> (consulté le 7 février 2017).
11. Blank, J. D. et L. Osofsky, *Simplexity: Plain Language and the Tax Law*, SSRN Scholarly Paper, ID 2759486, Rochester, NY, Social Science Research Network,

- 2016, en ligne : <<https://papers.ssrn.com/abstract=2759486>> (consulté le 7 février 2017).
12. CALABRESI, G., *A common law for the age of statutes*, Cambridge, Mass., Harvard University Press, 1982, en ligne : <<http://public.eblib.com/choice/publicfullrecord.aspx?p=3300124>> (consulté le 7 février 2017).
13. Carbonier, J., *Essais sur les lois*, Paris, Répertoire du Notariat Defrénois, 1995.
14. Carbonnier, J., *Flexible droit: pour une sociologie du droit sans rigueur*, Paris, Librairie générale de droit et de jurisprudence, 1992.
- , *Droit et passion du droit: sous la Ve République*, Paris, Flammarion, 1996.
15. Cracknell, R. et R. Clements, « Acts and Statutory Instruments: Volume of UK legislation 1950 to 2014 », 2012, en ligne : <<http://researchbriefings.parliament.uk/ResearchBriefing/Summary/SN02911>> (consulté le 9 février 2017).
16. D'AVILA DE OLIVERIA, L., *Inflação normativa - Excesso e exceção*, 2009, en ligne : <This article looks at the phenomenon of norm inflation, with reference mostly to Canada, France, the UK and the USA, and with a glance at the Iranian situation. The article demonstrates how economic analysis can be used to broach the matter.>.
17. Epstein, R. A., *Simple rules for a complex world*, Cambridge, MA, Harvard University Press, 1995, en ligne : <<http://public.eblib.com/choice/publicfullrecord.aspx?p=3300197>> (consulté le 7 février 2017).
18. FARIA, J. E., *A inflação legislativa e a crise do estado no Brasil*, 1994, en ligne : <http://www.pucrio.br/sobrepuc/depto/direito/revista/online/rev05_faria.html ; <http://www.fema.com.br/~direito/debora/antigos/sociologia/aula1910/inflacaolegislativaecrisedoestado.doc>>.
19. FELSENFELD, C., "The Plain English Movement in the United States", (1981), 6 *Can. Bus. Law J.* 408.
20. FINGERHUT, M., "The Plain English Movement in Canada", (1981) 6 *Can. Bus. Law J.* 446-452.
21. FRIEDMAN, M. et R. D. FRIEDMAN, *Free to choose: a personal statement*, New York, Harcourt Brace Jovanovich, 1980.
22. GRASS, É., "L'inflation législative a-t-elle un sens?", *Rev. Droit Public Sci. Polit. En Fr. Etranger* 2003.1.139-162.
23. HOLL, A., "La règle du "un pour un" peut-elle freiner l'activité normative ? | La vie économique" (24 2015), en ligne : <<http://dievolkswirtschaft.ch/fr/2015/09/2015-10-holl-franz/>> (consulté le 7 février 2017).
24. KRUEGER, A. O., "The political economy of the rent-seeking society", (1974) 64-3 *Am. Econ. Rev.* 291-303.
25. LANSOY, D. et P. SASSIER, *Ubu loi: essai*, Paris, Fayard, 2008.
- L'information pour tous - Règles européennes pour une information facile à lire et à comprendre, Union Européenne, 2009.

26. MACKAAY, E. et Y. GENDREAU, *Legislation canadienne en propriété intellectuelle = Canadian legislation on intellectual property* / [edited by] Ysolde Gendreau, Ejan Mackaay., Scarborough, Carswell, 1995.
27. MACKAAY, E. et S. ROUSSEAU, *Analyse économique du droit*, Paris; [Montréal], Dalloz ; Éd. Thémis, 2008.
28. MACKAAY, E., "LES NOTIONS FLOUES EN DROIT OU L'ÉCONOMIE DE L'IMPRÉCISION", *Langages* 1979.53.33-50.
29. MATHIEU, B., *La loi*, 3^e éd., Paris, Dalloz, 2010.
30. MOLFESSIS, N. et H. de CASTRIES, *Sécurité juridique et initiative économique: mai 2015*, Paris, Mare & Martin, 2015.
31. MONTAIGNE, *Essais Livre III*, Paris, Flammarion, 1588, en ligne : <<https://www.abebooks.fr/Essais-Livre-III-Montaigne-Flammarion/17128557097/bd>> (consulté le 7 février 2017).
32. MONTESQUIEU, C.-L. et B. D. DE SECONDAT, *De l'esprit des lois*, 2, Paris, Flammarion, 1748.
33. OLSON, M., *The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation, and Social Rigidities*, Yale University Press, 1982.
34. SCHWEITZER, S. et L. FLOURY, *Droit et économie, un essai d'histoire analytique*, Aix-en-Provence, Presses Universitaires d'Aix-Marseille, 2015.
35. SCHUCK, P. H., "Legal Complexity: Some Causes, Consequences, and Cures", (1992) 42-1 *Duke Law J.* 1-52, DOI : 10.2307/1372753.
36. ŠULMANE, D., "“Legislative Inflation” - An analysis of the Phenomenon in Contemporary Legal Discourse ", (2012) 4-2 *Balt. J. Law Polit.* 78-101, DOI : 10.2478/v10076-011-0013-4.
37. *Tacite - Annales*, Livre III, Paris, Flammarion, 1965, en ligne : <<http://bcs.fltr.ucl.ac.be/TAC/AnnIII.html#27>> (consulté le 8 février 2017).
38. VANNEUVILLE, R., " Les enjeux politico-juridiques des discours sur l'inflation normative ", *Parlem. Rev. Hist. Polit.* 2009.11.80-91.
39. ZWIERSYKOWSKI, P., " L'inflation législative - quelques repères méthodologiques sur l'exemple de la législation polonaise ", (2005) 57-3 *Rev. Int. Droit Comparé* 735-765, DOI : 10.3406/ridc.2005.19374.